

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۸۱ - ۹۶

## نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده در میان متأهلین شهر قم

### The Mediating Role of Self-control in the Relationship between Attachment to God and Family Functioning

احمد عرفانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت  
باقر غباری بناب / استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران  
حمید رفیعی هنر / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Ahmad 'Irfani / MA of Psychology, UAE.

ahmaderfani@yahoo.com

Baqir Ghubari Bonab / Professor of Psychology and Education, UT.

Hamid Rafi'ee Hunar / Phd Student of General Psychology, IKI.

#### ABSTRACT

This study aims to investigate the mediating role of self-control in relationship between attachment to God and family functioning. To achieve the above objective, in a descriptive study, 461 married individuals living in the residential complexes in Pardisan, Qom, were selected by using a combination of simple random and convenience sampling method. The data were collected through questionnaires attachment to God, short form of self-control scale, and Family Assessment Device (FAD); and data through Pearson correlation and the Method of the Path Analysis (in Amos Software) were analyzed. According to the research hypothesis, results confirmed the mediating role (partial mediation) of self-

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده انجام گردید. برای دستیابی به هدف فوق، در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۴۶۱ نفر از افراد متأهل ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه پردیسان قم، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های دلبستگی به خدا، فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری و ابزار سنجش خانواده استفاده شد و داده‌های پژوهش از طریق آزمون همبستگی پیرسون و روش تحلیل مسیر (در نرم‌افزار ایموس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نقش واسطه‌ای خودمهارگری

control in the relationship between quality of attachment to God and family functioning. The results also showed that the secure attachment to God and self-control has significant negative relationship with family dysfunction (respectively.45 and .46), and the secure attachment to God and self-control have a significant positive relationship (.34). The results of this study can be used for designing educational packages to improve the family functioning through the quality of attachment to God and self-governing.

**KEYWORDS:** Family Functioning, Family Performance, Attachment to God, Self-governing, Self-control.

در رابطه کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده را به صورت میانجی‌گری جزئی تأیید نمودند. همچنین یافته‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا و خودمهارگری با کارکرد (ناسالم) خانواده، رابطه منفی و معنادار (به ترتیب:  $-0/45$  و  $-0/46$ ) و دلبستگی ایمن به خدا با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار دارد ( $0/34$ ). از نتایج این تحقیق می‌توان جهت طراحی بسته‌های آموزشی برای ارتقاء کارکرد خانواده از طریق کیفیت دلبستگی به خدا و خودمهارگری استفاده نمود.

**کلیدواژه‌ها:** کارکرد خانواده، عملکرد خانواده، دلبستگی به خدا، خودمهارگری، خودکنترلی.

## مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در تمامی جوامع بشری، همواره به‌عنوان نخستین، کوچک‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی به شمار آمده است. سلامت و سعادت جامعه، وابسته به تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا و بانشاط است (امیدیان‌فر، رفاهی، قادری و افشون، ۱۳۹۴). آنچه سبب پایداری این نهاد دیرپای اجتماعی گردیده، کارکردهای حیاتی و متعدد آن است. کارکرد خانواده پدیده‌ای بسیار پیچیده است (ایدلسون<sup>۱</sup> و اپستاین<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲) که به اعتقاد شیک<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی اشاره دارد و شاخص‌هایی همچون سلامت، شایستگی‌ها، کفایت‌ها، ضعف‌ها و قدرت‌های نظام خانواده را دربر می‌گیرد (به نقل از سیف و اسلامی، ۱۳۸۷). الگوهای نظری متعددی در روان‌شناسی به بررسی کارکردهای خانواده می‌پردازند (به‌عنوان نمونه: الگوی مینوچین<sup>۴</sup>؛ ۱۹۷۴؛ بیورس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۱، مک‌مستر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۸، اولسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). در این میان، الگوی مک‌مستر به‌عنوان یک الگوی پیشرفته خانواده‌درمانی، با اعتبار درونی بالا، به‌عنوان چارچوب مفهومی مناسبی برای ارزیابی و تشخیص کارکرد خانواده، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین برخورداری از یک ابزار قوی برای سنجش کارکرد خانواده (مقیاس<sup>۸</sup> FAD)، مک‌مستر را به الگویی مورد علاقه در

1. Eidelson, R.J.

2. Epstein, N.B.

3. Shek, D.T.L.

4. Minuchin, S.

5. Beavers, R.

6. McMaster

7. Olson, D.H.

8. family assesment device

عرصه پژوهش تبدیل نموده است (رایان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس رویکرد خانواده‌درمانی مک‌مستر، مهم‌ترین کارکردهای خانواده عبارتند از: حل مسئله،<sup>۲</sup> ارتباط،<sup>۳</sup> نقش‌ها،<sup>۴</sup> پاسخ‌دهی عاطفی،<sup>۵</sup> مشارکت عاطفی<sup>۶</sup> و کنترل رفتار<sup>۷</sup> (اپستاین، بالدوین،<sup>۸</sup> بیشاپ، ۱۹۸۳).

«کارکرد مطلوب خانواده»، مفهوم مفیدی است که نه تنها در مورد مشکلات احتمالی به وجود آمده در خانواده، بلکه در چگونگی تأمین بهینه نیازهای زوجین و فرزندان نیز مدنظر قرار می‌گیرد (بارکر،<sup>۹</sup> ۱۹۹۸). به اعتقاد واکر<sup>۱۰</sup> و شفرد<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸)، کارکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است. از این‌رو، بررسی راه‌های تقویت کارکرد خانواده و عوامل مؤثر بر آن اهمیت می‌یابد. در این زمینه، پژوهش‌ها به بررسی عواملی چون تاب‌آوری (عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲)، خودکارآمدی (لطفی‌نیا، محب و عبدلی، ۱۳۹۲)، ساختار قدرت در خانواده (زارعی‌توپخانه، جان‌بزرگی و احمدی، ۱۳۹۲)، سبک‌های دلبستگی (اصلانی، صیادی و امان‌اللهی، ۱۳۹۱) و مهارت‌های زندگی (پورقاسمی، ۱۳۸۹) پرداخته‌اند. در این میان عوامل دینی و معنوی (به‌عنوان نمونه: رودز،<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۱، عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۸۸) نیز سهم مهمی را به خود اختصاص داده‌اند.

در میان مفاهیم متعدد دینی و معنوی، دلبستگی به خدا به‌عنوان یکی از بهترین مفاهیم بیان‌کننده دینداری مورد توجه پژوهشگران عرصه روان‌شناسی قرار گرفته است (محمودی، ۱۳۹۳). به عقیده کرک‌پاتریک<sup>۱۳</sup> و شیور (۱۹۹۲)، نظریه دلبستگی، چارچوب مناسبی برای تفهیم و تبیین بسیاری از ابعاد اعتقادات مذهبی، به‌ویژه درک ارتباط با خداست. به اعتقاد، مفهوم دین را می‌توان یک مفهوم ارتباطی دانست؛ چنان‌که فرم<sup>۱۴</sup> (۱۹۴۵) واژه «دین» را مشتق از واژه لاتین «religare»، به معنای «پابندگی» یا «relegere»، به معنای «گرد هم آمدن» می‌داند (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، ص ۵۳). از این‌رو، پژوهشگران به این ایده دست یافتند که رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به‌عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود (کرک‌پاتریک و شیور،<sup>۱۵</sup> ۱۹۹۰). دلبستگی انسان مؤمن به خداوند و باور او به حضور فناپذیر خداوند در لحظه‌لحظه زندگی، منبعی سرشار از آرامش و آسایش برای او فراهم می‌آورد (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵).

علیرغم اینکه پژوهش‌های بسیاری روابط مثبت و معنادار دینداری را با کارکردهای روان‌شناختی (از

- |                             |                          |                      |                   |
|-----------------------------|--------------------------|----------------------|-------------------|
| 1. Ryan, C.E.               | 2. problem solving       | 3. communication     | 4. roles          |
| 5. affective responsiveness | 6. affective involvement | 7. behaviour control | 8. Baldwin, L.    |
| 9. Barker, P.               | 10. Walker, R.           | 11. Shepherd, C.     | 12. Rhoades, C.J. |
| 13. Kirkpatrick, L.A.       | 14. Ferm, V.             | 15. Shaver, P. R.    |                   |

جمله کارکرد خانواده) گزارش نموده‌اند، اما مکانیسم این ارتباط هنوز چندان روشن نیست. به نظر می‌رسد برخی عوامل واسطه‌ای در این تعامل نقش داشته باشند. یکی از متغیرهای واسطه‌ای که در این زمینه می‌توان به آن اشاره نمود، خودمهارگری<sup>۱</sup> است. پژوهش مک‌کولا<sup>۲</sup> و ویلابی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) بیانگر آن است که دینداری از طریق خودمهارگری بر ارتقاء سلامت، بهزیستی و رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

خودمهارگری را می‌توان نوعی مراقبت درونی در جهت انجام وظایف و ترک رفتارهای نابهنجار، بدون نظارت خارجی دانست (مححص و معتمدلنگرودی، ۱۳۹۵). همچنین از نگاه تانجنی،<sup>۴</sup> بون<sup>۵</sup> و بامیستر<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، خودمهارگری به ظرفیت فرد برای غلبه کردن و بازداری تکانه‌های غیرقابل‌پذیرش و نامطلوب و نظم دادن به رفتارها و تفکرات و هیجانات خود گفته می‌شود. امروزه خودمهارگری در پنج حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد: تنظیم هیجانات، مهار افکار، هدایت رفتاری، کنترل توجه و غلبه بر تکانه‌های ابتدائی (واس<sup>۷</sup> و اشمایکل،<sup>۸</sup> ۲۰۰۷). خودمهارگری در زندگی شخصی، آثاری چون پیشرفت در تحصیل و کار، پس‌انداز برای آینده، حفظ وضعیت مناسب بدن (مید،<sup>۹</sup> الکویست<sup>۱۰</sup> و بامیستر، ۲۰۱۰)، سازگاری روان‌شناختی بهتر و حرمت خود بالاتر را برای افراد به‌دنبال خواهد داشت (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). در عرصه اجتماعی نیز به افراد توانایی خودداری از تقلب، ارتکاب جرائم و رفتارهای پرخطر جنسی را می‌دهد (مید و همکاران، ۲۰۱۰) و آنها را قادر می‌سازد تا ارتباطات سازنده‌تر و تعارض خانوادگی کمتری را به نمایش گذاشته و مدیریت بهتر خشم را تجربه کنند (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین به گواهی پژوهش‌ها، خودمهارگری، افراد را در عرصه دینداری و رفتارهای فضیلت‌مندانه اخلاقی یاری می‌نماید (برای نمونه: مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹؛ خدایاری‌فرد، شهبایی و اکبری‌زردخانه، ۱۳۸۸؛ رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹).

در ارتباط با چگونگی واسطه‌گری خودمهارگری در رابطه عوامل دینی (از جمله دلبستگی به خدا) با آثار روان‌شناختی (همچون کارکرد خانواده) می‌توان گفت: دینداری بر نحوه انتخاب، پیگیری و ساماندهی اهداف تأثیر می‌گذارد و خودمهارگری را در انسان پرورش می‌دهد. به عبارت دیگر، شناخت مذهبی، به طور خودکار، شکلی از خودمهارگری را در مقابل وسوسه‌ها فعال می‌کند (مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، خودمهارگری، توانایی مدیریت و مهار هیجانات، تکانه‌ها و امیال را به انسان بخشیده و آثاری همچون به‌هم‌پیوستگی بالا و تعارضات پایین خانوادگی را به دنبال خواهد داشت (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). به اعتقاد رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، تعلقات مذهبی به زوجین

1. self-control

2. McCullough, M.E.

3. Willoughby, B.L.B.

4. Tangney, J.P.

5. Boone, A.L.

6. Baumeister, R.F.

7. Vohs, K.D.

8. Schmeiche, B.J.

9. Mead, N.L.

10. Alquist, J.L.

کمک می‌کند تا خشم خود را بهتر مهار نموده و تفاوت‌هایشان را با آرامش حل کنند. با توجه به افزایش نگران‌کننده آمار طلاق (بحرانی، ۱۳۹۲) و تزلزل بنیان‌های خانواده در عصر کنونی و ظرفیت عظیم دینداری در تقویت خانواده (بالالی، ۱۳۸۴) و از سوی دیگر، قابلیت خودمهارگری در وساطت این ارتباط، ضرورت پژوهش در این راستا آشکار می‌گردد. بنابراین، با توجه به فقر پژوهشی موجود در زمینه روابط دوگانه میان متغیرهای دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا میان سه متغیر مذکور، روابط معنادار برقرار است؟ و به‌طور ویژه، آیا در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده، خودمهارگری نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟

### روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش برای سنجش رابطه دوگانه متغیرها از روش آماری همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و برای آزمون نقش واسطه‌ای متغیر خودمهارگری امید، از چارچوب نظری بارون<sup>۱</sup> و کنی<sup>۲</sup> (۱۹۸۶ به نقل از سرمد، ۱۳۷۸) و روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار ایموس<sup>۳</sup> نسخه ۲۴ استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش را افراد متأهل ساکن در منطقه پردیسان قم در سال ۹۵ تشکیل داده‌اند. با توجه به حجم جامعه مورد نظر که بالغ بر پنجاه‌هزار نفر برآورد گردید<sup>۴</sup> و با استفاده از فرمول کوکران<sup>۵</sup> (۲۰۰۷)، حجم نمونه ۳۸۱ نفر به دست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر، داده‌های مربوط به ۴۶۱ نفر (۲۳۸ مرد و ۲۲۳ زن) شرکت‌کننده جمع‌آوری شد. برای نمونه‌گیری، از دو روش «تصادفی ساده» و «در دسترس» استفاده شد؛ یعنی برای انتخاب مجتمع‌های مسکونی، از روش تصادفی ساده و برای انتخاب افراد شرکت‌کننده در هر مجتمع، از روش در دسترس استفاده شد. به اعتقاد آردن (۲۰۰۵) اگر در یک پژوهش، نمونه آماری آن‌قدر با جامعه خود تفاوت نداشته باشد که بر نتایج تحقیق اثر بگذارد، روش در دسترس روشی کاملاً پذیرفته شده و کارآمد جهت انتخاب یک نمونه آماری است. در این پژوهش، نیز پراکندگی در گروه نمونه (که شرطی لازم برای معرف بودن جامعه است) از طریق انتخاب تصادفی مجتمع‌ها تأمین گردید و برای نمونه‌گیری در درون مجتمع‌ها به روش در دسترس اکتفا شد.

1. Baron, R.M.

2. Kenny, D.A.

3. Amos 24

5. Cochran, W. G.

۴. بنابر استعلام از شهرداری منطقه مذکور

## ابزار پژوهش

مقیاس دلبستگی به خدا: این مقیاس در سال ۲۰۰۲ توسط روات<sup>۱</sup> و کرک‌پاتریک، جهت ارزیابی سبک دلبستگی افراد نسبت به خدا ساخته شده است. این مقیاس چندبعدی حاوی ۹ گویه است که هر یک توصیف کوتاهی از چگونگی رابطه دلبستگی فرد نسبت به خداوند را ارائه می‌کند. در این آزمون، هر سه گزاره، یکی از سبک‌های دلبستگی به خدا را توصیف می‌کنند. آزمودنی، درجه تطابق هر جمله را با حالات و تجربیات خود در رابطه با خدا، روی یک مقیاس لیکرت که از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است، مشخص می‌نماید (سپاه‌منصور، شهبابی‌زاده و خوشنویس، ۱۳۸۷). در پژوهش سپاه‌منصور و همکاران (۱۳۸۷)، اعتبار درونی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۴ و ۰/۷۴ به دست آمده است.

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری: مقیاس خودمهارگری در سال ۲۰۰۴ توسط تانجنی و همکاران تهیه شده است. فرم بلند این مقیاس دارای ۳۶ گویه و فرم کوتاه آن شامل ۱۳ عبارت است. این پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای بهره می‌برد. برای بررسی اعتبار و روایی، پرسش‌نامه بر روی دو گروه از دانشجویان دوره کارشناسی اجرا شد که ضریب آلفای کرونباخ هر دو مطالعه ۰/۸۹ به دست آمده است (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین ضریب اعتبار درونی این آزمون به روش آلفای کرونباخ با اجرای آن بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان، توسط رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) به دست آمده است. بررسی‌های مالونی،<sup>۲</sup> گرویچ<sup>۳</sup> و باربر<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) نشان می‌دهد از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری توسط تانجنی و همکاران در سال ۲۰۰۴، بیشتر تحقیقات این حوزه با استفاده از فرم کوتاه ۱۳ سؤالی آن انجام شده است (به نقل از سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲).

ابزار سنجش خانواده مک‌مستر (FAD): این مقیاس بر اساس مدل مک‌مستر و با هدف سنجش کارکرد خانواده، توسط اپستاین، بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ تدوین شده است. نسخه اولیه این مقیاس ۵۳ سؤالی بوده که جهت افزایش روایی، ۷ ماده به آن افزوده گردیده است و در این پژوهش از نسخه ۶۰ سؤالی استفاده می‌گردد. مدل مک‌مستر برای سنجش کارکرد خانواده از شش بعد اختصاصی حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار و یک بعد کارکرد کلی استفاده می‌نماید. این آزمون پس از تهیه، توسط سازندگان آن بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیرمجموعه‌های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد از اعتبار درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹). در ایران نیز تحقیقات انجام شده توسط زاده‌محمدی و ملک‌خسروی (۱۳۸۵)، حاکی از

1. Rowatt, W.

2. Maloney, P.W.

3. Grawitch, M.J.

4. Barber, L.K.

5. family assesment device

آن است که آلفای کرونباخ کلی این پرسش‌نامه و خرده‌مقیاس‌های آن اعتبار دارد و ابعاد پرسش‌نامه از اعتبار بازآزمایی (پایایی) کافی برخوردار است. ابزار سنجش خانواده تا حدی دارای روایی هم‌زمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله، با «مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس» همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات «مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا» نشان داده است (ثنایی، ۱۳۷۹).

انجام پژوهش نیازمند پایداری پژوهشگر به اصول و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است (افشار، حسینی و عباسی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی در دو جنبه «اجرای میدانی» و «نگارش پژوهش» مورد توجه پژوهشگران بود. در جنبه اجرای میدانی می‌توان به مواردی همچون رضایت افراد در مشارکت در پژوهش، در نظر گرفتن منفعت شرکت‌کنندگان، توجه به ملاحظات مذهبی و فرهنگی، ایجاد اطمینان نسبت به محرمانه ماندن اطلاعات، رعایت حریم خصوصی و ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های کافی در طول مشارکت اشاره نمود. در جنبه نگارش پژوهش نیز مواردی از جمله امانتداری علمی، ارائه دقیق نتایج پژوهش، تبعیت از قوانین و قراردانی در انتشارات (لوکاس، ۲۰۱۰<sup>۱</sup>) توجه پژوهشگران بوده است.

## یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
رضایت زناشویی	ایمن	۵/۴۰	۱/۰۹	۷/۰۰
	اجتنابی	۲/۱۶	۱/۰۱	۶/۱۶
	دوسوگرا	۳/۴۳	۱/۶۰	۷/۰۰
<b>خودمهارگری</b>				
کارکرد خانواده	حل مسئله	۱/۹۳	۰/۴۰	۳/۳۳
	روابط	۲/۰۷	۰/۳۷	۳/۱۱
	نقش‌ها	۲/۲۵	۰/۳۶	۳/۴۵
	پاسخ‌دهی عاطفی	۱/۹۸	۰/۴۹	۳/۸۳
	مشارکت عاطفی	۲/۱۴	۰/۴۹	۴/۰۰
	کنترل رفتار	۲/۱۳	۰/۳۹	۳/۶۶
	کارکرد کلی	۱/۹۶	۰/۴۳	۳/۴۱

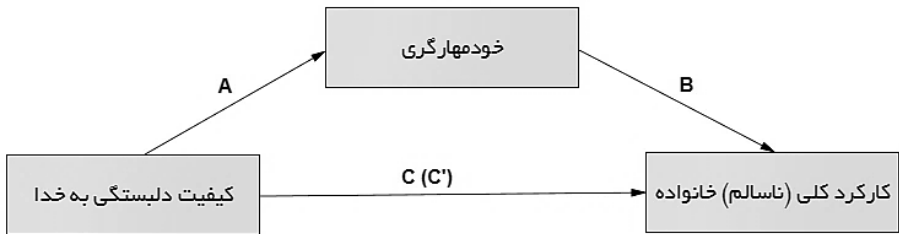
همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ذکر شده است. بر اساس جدول ۲، سه سبک دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه مثبت و با کلیه ابعاد کارکرد خانواده، رابطه منفی و معنادار دارند. همچنین خودمهارگری با ابعاد کارکرد خانواده، رابطه معنادار معکوس دارد (در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱).

جدول ۲. همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش

کارکرد خانواده							خودمهارگری	متغیر
کارکرد کلی	کنترل رفتار	مشارکت عاطفی	پاسخدهی عاطفی	نقش‌ها	روابط	حل مسئله		
-.۴۵۴**	-.۳۸۴**	-.۴۶۶**	-.۴۰۹**	-.۳۷۰**	-.۳۴۲**	-.۱۸۹**	.۳۴۵**	دلبستگی ایمن
-.۴۴۳**	-.۳۹۱**	-.۴۲۶**	-.۴۰۵**	-.۳۳۶**	-.۳۴۵**	-.۲۳۷**	-.۲۶۲**	دلبستگی اجتنابی
-.۳۶۴**	-.۲۸۸**	-.۴۱۰**	-.۳۱۹**	-.۳۳۹**	-.۲۵۹**	-.۳۴۵**	-.۱۰۷**	دلبستگی دوسوگرا
-.۴۶۱**	-.۴۰۸**	-.۴۰۵**	-.۳۷۵**	-.۴۴۳**	-.۳۶۶**	-.۳۳۹**	—	خودمهارگری

$P < .001^{***}$

برای بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده، از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار ایموس بر اساس چارچوب پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده گردید. مدل مورد استفاده در نمودار ۱ به نمایش درآمده است.



نمودار ۱. مدل میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

با توجه به مدل فوق و بر اساس روش یادشده، معناداری مسیرهای A، B و C' به ترتیب بررسی گردید که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. در نهایت، برای تعیین نسبتی از رابطه بین دو متغیر پیش‌بین و ملاک که توسط متغیر میانجی تبیین می‌شود و معناداری آن، از روش بوت‌استرپینگ<sup>۱</sup> استفاده گردید. مقدار مربوطه تحت عنوان A.B در جدول ذکر گردیده است.

1. bootstrapping



جدول ۳. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل‌های سه‌گانه دلبستگی به خدا

معناداری	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	مسیر	کیفیت دلبستگی در مدل
***	۷/۸۸	-۰/۲۳	۰/۳۴	A	دلبستگی ایمن به خدا
***	-۸/۳۶	۰/۰۰	۰/۳۴-	B	
***	-۱۰/۹۲	۰/۱۶	۰/۴۵-	C	
***	-۸/۱۲	۰/۰۱	۰/۳۳-	C'	
***	---	---	۰/۱۱۹-	A.B	
***	۷/۸۸	-۰/۲۳	۰/۳۴	A	دلبستگی اجتنابی به خدا
***	-۸/۳۶	۰/۰۰	۰/۳۴-	B	
***	۱۰/۶۰	۰/۱۸	۰/۴۴	C	
***	-۸/۱۲	۰/۰۱	۰/۳۳-	C'	
***	---	---	۰/۱۲۵	A.B	
***	-۵/۴۲	۰/۱۶	۰/۲۴-	A	دلبستگی دوسوگرا به خدا
***	-۹/۶۷	۰/۰۰	۰/۳۹-	B	
***	۸/۳۸	۰/۰۱	۰/۳۶	C	
***	-۵/۴۲	۰/۱۶	۰/۲۴-	C'	
***	---	---	۰/۰۹۷	A.B	

P<۰/۰۰۰۱\*\*\*

مسیر A: رابطه پیش‌بین با میانجی

مسیر B: رابطه میانجی با ملاک

مسیر C: رابطه مستقیم پیش‌بین با ملاک قبل از ورود میانجی

مسیر C': رابطه مستقیم پیش‌بین با ملاک پس از ورود میانجی

مسیر A.B: رابطه غیرمستقیم پیش‌بین با ملاک (از طریق میانجی)

با توجه به داده‌های جدول ۳، بررسی‌ها نشان داد که کلیه روابط مورد نظر معنادار است. کاهش مقدار C' نسبت به C نشانگر آن است که حضور خودمهارگری به‌عنوان متغیر میانجی توانسته است بخشی از تأثیر دلبستگی به خدا بر کارکرد خانواده را به خود جذب کند. بنابراین، واسطه‌گری خودمهارگری در مدل مورد نظر تأیید می‌گردد. البته با توجه به اینکه C' همچنان معنادار است مشخص می‌شود که واسطه‌گری به طور جزئی بوده است. لازم به ذکر است مدل فوق با حضور تک‌تک ابعاد کارکرد خانواده نیز به آزمون گذاشته شد که به‌طور مشابه در همه مدل‌های مذکور، میانجی‌گری جزئی خودمهارگری تأیید گردید.

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت دل‌بستگی به خدا با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد. بدین معنا که هرچه قدر دل‌بستگی ایمن به خدا افزایش یابد، کارکرد ناسالم خانواده در ابعاد مختلف خود کاهش خواهد یافت، و هرچه دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد، ابعاد کارکرد ناسالم خانواده افزایش خواهد یافت. این یافته با نتایج دو پژوهش شهبایی‌زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) همخوان است. همچنین با توجه به ارتباط وثیق دل‌بستگی به خدا با سایر متغیرهای دینداری و متغیر دل‌بستگی والدینی (سپاه‌منصور و همکاران، ۱۳۸۷)، پژوهش‌های هوک<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰)، فینچام، آجایی<sup>۲</sup> و بیچ<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، رودز<sup>۴</sup> (۲۰۱۱)، حاتمی، حبیبی و اکبری (۱۳۸۸)، اصلانی و همکاران (۱۳۹۱)، مصلحی و احمدی (۱۳۹۲)، رضاپور و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، خوش‌فر و ایلواری (۱۳۹۴) و ساکی و مکنونی (۱۳۹۴) مؤید این یافته به شمار می‌آیند.

از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهند که کیفیت دل‌بستگی به خدا با خودمهارگری رابطه معنادار دارد. یعنی افزایش دل‌بستگی ایمن به خدا، افزایش خودمهارگری و افزایش دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا به خدا، کاهش خودمهارگری را به همراه خواهد داشت. اگرچه پژوهشی که رابطه مذکور را عیناً مورد بررسی قرار داده باشد یافت نگردید؛ اما با در نظر گرفتن متغیرهای نزدیک به دل‌بستگی به خدا، می‌توان نتایج حاصل از پژوهش عزیز و رحمان (۱۹۹۶)، آلویزریورا<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹)، حسین‌خانزاده و همکاران (۱۳۹۰)، ناروئی، صالحی و جندقی (۱۳۹۲)، سبقتی (۱۳۹۳) و همت‌پور (۱۳۹۴) را همسو با یافته مورد نظر دانست.

سومین یافته حکایت از رابطه معنادار خودمهارگری با کارکرد خانواده دارد و این بدان معناست که هرچه خودمهارگری افراد افزایش یابد، کارکرد ناسالم خانواده آنان کاهش خواهد یافت و بعکس. پژوهش‌های متعددی از جمله: واس<sup>۶</sup> و فینکل<sup>۷</sup> (۲۰۰۶)، قدیمی (۱۳۹۱)، یاری (۱۳۹۲) و مزیدی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه خودمهارگری را با شاخص‌های مختلف خانوادگی و روابط میان‌فردی تأیید می‌نمایند.

در نهایت، یافته اصلی این پژوهش حاکی از آن است که خودمهارگری، رابطه کیفیت دل‌بستگی به خدا را با کارکرد خانواده واسطه‌گری می‌کند. پژوهش‌های وایتل<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۹) و مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) که بیانگر نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دینداری با دیگر مفاهیم

1. Hook, J.N.

2. Fincham, F.D.

3. Ajayi, C.

4. Beach, S.R.H.

5. Rhoades, C.J.

6. Alvarez-Rivera, L.L.

7. Vohs, K.D.

8. Finkel, E.J.

9. Vitell, S.J.

روان‌شناختی هستند و پژوهش‌های سبقتی (۱۳۹۳) و میلر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) که نقش واسطه‌ای خودمهارگری را در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی با متغیرهای دیگر تأیید می‌نمایند، از جمله پژوهش‌های همخوان با این یافته محسوب می‌شوند.

در تبیین یافته‌ها باید به این نکته توجه داشت که دلبستگی به خدا یکی از شاخص‌های دینداری محسوب می‌شود. به اعتقاد خوش‌فر و ایلواری (۱۳۹۴) پایبندی به دین منجر به ایجاد روابطی مستحکم و بدون تنش میان همسران می‌شود و کارکردهای خانواده را در ابعاد مختلف خود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهد که سلامت جسمی، روحی و زناشویی با دینداری مرتبط است. دین، مبدأ، مقصد و مسیر حرکت را به فرد نشان می‌دهد و با ارائه الگوهای فکری و رفتاری به اعضای خانواده، آرامش و نشاط خانواده را تأمین می‌کند.

اما با دقت در این رابطه، می‌توان مکانیسم حضور خودمهارگری را دریافت؛ باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر است، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش داده و به انسان دلگرمی می‌دهد. این حس دلگرمی و حمایت شدن موجب می‌شود که فرد توانایی تصمیم‌گیری و عملکرد منطقی را یافته و بر تکانه‌ها و رفتارهای خود مسلط شود. فونتولاکیس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸) نیز بر این عقیده‌اند که دلبستگی به خدا سبب می‌شود که فرد بتواند موقعیت‌های غیرقابل مهار را در اختیار خود درآورد. همچنین به عقیده گراهام<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۱) کسانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، در برابر تنش و فشار، مصونیت بیشتری دارند (به نقل از زاهدبا بلان و همکاران، ۱۳۹۱). مصونیت در برابر تنش و فشار موجب می‌شود فرد در شرایط پرفشار و تنش‌زا مهار خود را از دست ندهد.

از طرفی، دلبستگی به خدا لوازم خودمهارگری از جمله انگیزه، شناخت و هدفمندی را برای فرد فراهم می‌کند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۳). فرد مؤمن برای رسیدن به هدف بزرگ‌تر که رضایت خداوند و مأمّن‌گزیدن در جوار اوست، دشواری مهار تکانه و از دست دادن هدف‌های کوچک‌تر را تحمل می‌کند. همچنین، فرد دلبسته به خداوند به تبع معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، زندگی‌اش توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است. از این‌رو، احتمال کمتری دارد که به اقداماتی دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند یا مانع از رسیدن به اهدافش گردد؛ بنابراین به خودمهارگری روی خواهد آورد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که خودمهارگری به معنای توانایی مدیریت و مهار هیجانات،

تکانه‌ها و امیال است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴) و طبیعتاً کسی که بتواند هیجانات، تکانه‌ها و امیال خود را مدیریت کند، قادر است در همه ابعاد زندگی، از جمله بعد خانوادگی، رفتار مطلوب‌تری را از خود بروز دهد. به عقیده پژوهشگران، خودمهارگری پیامدهایی همچون ثبات هیجانی، دوست‌داشتنی بودن، به هم‌پیوستگی بالای خانوادگی، تعارضات پایین خانوادگی، توانایی درک دیدگاه‌های دیگران، همدلی، سطوح پایین پرخاشگری، مسئولیت‌پذیری در خصوص خطاهای فردی (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴)، تعهد بالاتر (راچلین،<sup>۱</sup> ۱۹۹۵) و توجه به پیامدهای رفتار (لوگ،<sup>۲</sup> ۱۹۸۸) را به همراه دارد. درحالی‌که به نظر می‌رسد پیامدهای یادشده، همگی از عواملی هستند که می‌توانند تأثیرات مثبتی بر زندگی خانوادگی و کارکردهای آن داشته باشند.

به عبارت دیگر، فردی که در سایه دلبستگی به خدا به خودمهارگری رسیده است، قادر خواهد بود تا کارکردهای خانواده خود را بهبود بخشد؛ یعنی در بعد حل مسئله، بدون اینکه تحت فشار موقعیت، مهار خود را از دست داده و تکانش‌گرانه برخورد کند، سعی در مدیریت آن می‌نماید؛ در بعد نقش‌ها، تلاش می‌کند تا هدف‌ها و هوس‌های کوتاه‌مدت که با نقش‌ها و مسئولیت‌هایش در تضاد است را نادیده بگیرد؛ در بعد ارتباطات و پاسخ‌دهی عاطفی، می‌تواند روابط خود را در سطح مناسب نگه داشته و به هیجانات و احساسات دیگران پاسخ متناسب و مبتنی بر علاقه و دلسوزی دهد؛ در بعد مشارکت عاطفی، می‌تواند منافع شخصی‌اش را کنترل کرده و بدون دخالت بی‌جا در امور اعضای خانواده، به منافع آنها نیز بپردازد. در نهایت، در بعد کنترل رفتار، اعضای خانواده با مهار فکر و احساس خود می‌توانند با توجه به اهداف خانواده، مقررات مطلوبی وضع نموده و به آن پایبند باشند.

بر اساس یافته‌ها، با ورود خودمهارگری در معادله ساختاری پیش‌بینی کارکرد خانواده، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی دلبستگی به خدا از بین نرفت و این نشان می‌دهد واسطه‌گری خودمهارگری در این رابطه به صورت کامل نیست. از این‌رو، متغیرهای دیگری نیز می‌توانند در کنار خودمهارگری نقش واسطه‌ای داشته باشند. در این راستا استفاده از متغیرهای دیگری همچون تاب‌آوری، خودکارآمدی و سلامت معنوی پیشنهاد می‌گردد. همچنین برای بررسی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده، استفاده از پژوهش فراتحلیل جهت یافتن متغیرهای مرتبط و بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، جهت دستیابی به مدلی جامع در این زمینه مفید به نظر می‌رسد.

از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به استفاده از طرح مقطعی، ابزارهای مداد کاغذی و

همچنین مذهبی بودن جمعیت نمونه اشاره نمود. برای دستیابی به نتایجی دقیق‌تر و با قابلیت تعمیم بیشتر، پیشنهاد می‌شود از پژوهش‌های طولی، ابزار مصاحبه و جمعیت‌های متنوع‌تر و بافت‌های غیرمذهبی نیز استفاده گردد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود برای آموزش خانواده‌ها، بسته‌های آموزشی ارتقای کارکرد خانواده با لحاظ دو عامل خودمهارگری و دل‌بستگی به خدا طراحی و اجرا گردد.

## منابع

- آردن، تیموتی سی (۲۰۰۵). آمار به زبان ساده در پژوهش‌های آموزشی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ترجمه عبدالوهاب خادمی شمامی (۱۳۸۷). تهران: نشر نی.
- اصلانی، خالد؛ صیادی، علی و امان‌اللهی، عباس (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۶۳-۱۷۷.
- افشار، لیلیا؛ حسینی، مریم و عباسی، محمود (۱۳۹۰)، «ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های آموزشی»، تاریخ پزشکی، سال سوم، شماره ۸، ص ۶۵-۹۵.
- امیدیان‌فر، مریم؛ رفاهی، ژاله؛ قادری، زهرا و افشون، اسفندیار (۱۳۹۴)، «اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی در کارمندان ادارات مختلف شهر یاسوج»، ارمغان دانش، سال بیستم، شماره ۶ ص ۵۳۸-۵۴۸.
- بارکر، فیلیپ (۱۹۹۸)، خانواده‌درمانی پایه، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، (۱۳۷۵)، تهران: رشد.
- بحرانی، محمود (۱۳۹۲)، «تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی طی پنج دهه گذشته»، جمعیت، ۸۵-۸۶، شماره ۲۰، ص ۴۳-۵۶.
- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۴)، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان، سال هفتم، شماره ۲۷، ص ۲۵۷-۲۷۵.
- پورقاسمی، مرضیه (۱۳۸۹)، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کارکرد خانواده زنان دارای همسر معتاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ثنائی، باقر؛ علاقیند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- حاتمی، حمیدرضا؛ حبی، محمدباقر و اکبری، علیرضا (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی»، روان‌شناسی نظامی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۳-۲۰.
- حسین‌خانزاده، عباس‌علی؛ همتی‌علمدارلو، قربان؛ آقابابایی، حسین؛ مرادی، اعظم و رضایی، صدیقه (۱۳۹۰)، «پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، ص ۱۹-۳۶.
- خداباری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری‌زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، «رابطه دینداری و خودکنترلی با گرایش به مصرف مواد در دانشجویان»، رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۹، ص ۱۱۵-۱۳۰.
- خوش‌فر، غلامرضا و ایلواری، محبوبه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری زناشویی (مطالعه موردی: زنان متأهل ساکن شهر گرگان)»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال بیست و دوم، شماره ۶۸ ص ۱۹۳-۲۲۷.
- رایان، کریستین‌ای؛ ایستاین، ناتان‌بی؛ کیتنر، گابورای؛ میلر، آیوان‌دیلیو؛ بیشاپ، دوآن. اس (۲۰۰۵)، خانواده‌درمانی: ارزیابی و درمان خانواده‌ها، رویکرد مک‌مستر، ترجمه محسن دهقانی و مریم عباسی، (۱۳۹۰)، تهران: رشد.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و سعید ذکایی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفت‌وگوهای درون شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا»، مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۹-۵۳.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۰)، ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۳، ص ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده‌طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۳)، «تیین‌سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی، روان‌شناسی و دین»، شماره ۲۷، ص ۵-۲۶.
- زاده‌محمدی، علی و ملک‌خسروی، غفار (۱۳۸۵)، «بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش

- کارکرد خانواده (FAD)، خانواده‌پژوهی، سال دوم، شماره ۵، ص ۶۹-۸۹.
- زارعی توپخانه، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «رابطه ساختار قدرت پدرمحور در خانواده اصلی فرد با کارآمدی خانواده»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۰.
- زاهدباپلان، عادل؛ رضایی‌جمالی، حسن و حرفتی‌سبحانی، رعنا (۱۳۹۱)، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص ۷۵-۸۵.
- ساک، خدیجه و مکوندی، بهنام (۱۳۹۴)، «رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شادکامی با عملکرد خانواده»، ارائه شده در سومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری.
- سبقتی، علیرضا (۱۳۹۳)، نقش واسطه‌ای خودکنترلی در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- سپاه‌منصور، مزگان؛ شهبایی‌زاده، فاطمه و خوشنویس، الهه (۱۳۸۷)، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۲۵۳-۲۶۵.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهری، عابدین (۱۳۹۲)، «خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۴، ص ۶۹-۷۵.
- سرمد، زهره (۱۳۷۸)، «متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و راهبردی»، پژوهش‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۵، ص ۶۳-۸۱.
- سیف، سوسن و اسلامی، معصومه‌السادات (۱۳۸۷)، «نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی»، اندیشه‌های نوین تربیتی، سال چهارم، شماره ۱ و ۲، ص ۹۹-۱۲۹.
- شهبایی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۰)، تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه‌های هویت در ارتباط با سبک‌های دلبستگی به والد و خدا، الگوهای عملکرد خانواده و مقابله مذهبی، پایان‌نامه دکترای، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- شهبایی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴)، «مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا»، مطالعات روان‌شناختی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۶۵.
- عبادت‌پور، بهناز؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و فلسفی‌نژاد محمدرضا (۱۳۹۲)، «نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلدزدگی زناشویی»، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۱۳، ص ۲۹-۴۵.
- عبدالله‌پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمداقبر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی‌اقدم، میرروح‌اله و علی‌اشرفی‌زکی، زینب (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، علوم اجتماعی»، سال سوم، شماره ۷، ص ۱۷۶-۱۵۷.
- قدیمی‌گرجان، ثریا (۱۳۹۱)، نقش تمایز یافتگی خود، خودکنترلی و راهبردهای حل تعارض در پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- لطفی‌نیا، حسین؛ محب، نعیمه و عبدلی، عیسی (۱۳۹۲)، «رابطه خودکارآمدی و سلامت عمومی با کارکرد خانواده در دانش‌آموزان پسر اول متوسطه ناحیه ۴ تبریز»، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۴۱-۵۴.
- مححصص، مرضیه و معتمدلنگرودی، فرشته (۱۳۹۵)، «ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بر اساس آموزه‌های علوی»، اخلاق زیستی، سال بیست و یکم، شماره ۶، ص ۷۴-۸۸.
- محمدی، بهناز؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا و شاکرمی، محمد (۱۳۹۳)، «بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی»، دین و سلامت، سال اول، شماره ۲، ص ۱۵-۲۳.
- محمدی‌مزیدی، هادی (۱۳۹۳)، رابطه بین عملکرد خانواده و خودکنترلی با دلدزدگی زناشویی در زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- محمودی، غلامرضا (۱۳۹۳)، دلبستگی، تکامل و روان‌شناسی دین، نوشته لی. آ. کرک‌پاتریک، تهران: وائیا. مصلحی، جواد و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین»، روان‌شناسی و دین شماره ۲۲، ص ۷۵-۹۰.
- نارویی‌نصرتی، رحیم؛ صالحی، علی‌محمد و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «اثربخشی یاد خدا بر خود‌مهارگری بر اساس منابع اسلامی»، روان‌شناسی و دین، شماره ۲۲، ص ۲۰-۳۱.
- همت‌پور، منوچهر (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین معنویت با میزان خودکنترلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر کوه‌دشت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- یاری‌گشنیگانی، حسین (۱۳۹۲)، اثربخشی آموزش خودمهارگری بر تعارضات زناشویی زوجین کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- Alvarez-Rivera, L. L. (2006). Effects of Parental Attachment on Self-control: A Look at Attachments Among Puerto Rican High School Students. University of Florida.
- Aziz, S. & Rehman, G. (1996). Self control and tolerance among low and high religious groups. *Journal Of Personality And Clinical Studies*.
- Cochran, W. G. (2007). *Sampling techniques*. John Wiley & Sons.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M. & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal Of Marital And Family Therapy*, 9(2), 171-180.
- Fincham, F. D., Ajayi, C. & Beach, S. R. (2011). Spirituality and marital satisfaction in African American couples. *Psychology Of Religion And Spirituality*, 3(4), 259.
- Hook, J. N., Worthington, E. L., Davis, D. E., Jennings, D. J., Gartner, A. L. & Hook, J. P. (2010). Empirically supported religious and spiritual therapies. *Journal Of Clinical Psychology*, 66(1), 46-72.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. Guilford Press.
- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1990). Attachment Theory and Religion: Childhood Attachments, Religious Beliefs, and Conversion. *Journal For The Scientific Study Of Religion*, 29(3), 315-334.
- Kirkpatrick, L. A. & Shaver, P. R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality And Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.
- Logue, A. W. (1988). Research on self-control: An integrating framework. *Behavioral And Brain Sciences*, 11(04), 665-679.
- Lucas, G. (2010). Singapore statement on research integrity. *Sri Lanka Journal Of Child Health*, 39(4).
- McCullough, M. E. & Willoughby, B. L. (2009). Religion, self-regulation, and self-control: Associations, explanations, and implications. *Psychological Bulletin*, 135(1), 69.
- Mead, N. L., Alquist, J. L. & Baumeister, R. F. (2010). Ego depletion and the limited resource model of self-control. *Self Control In Society, Mind, And Brain*, 375-388.
- Miller, H. V., Jennings, W. G., Alvarez-Rivera, L. L. & Lanza-Kaduce, L. (2009). Self-control, attachment, and deviance among Hispanic adolescents. *Journal Of Criminal Justice*, 37(1), 77-84.
- Rachlin, H. (1995). Self-control: Beyond commitment. *Behavioral And Brain Sciences*, 18(01), 109-121.
- Rhoades, C. J. (2011). Objective and Perceived Spiritual and Religious Compatibility as Predictors of Marital Functioning. Loyola University Maryland.
- Tangney, J. P., Baumeister, R. F. & Boone, A. L. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success. *Journal Of Personality*, 72(2), 271-324.
- Vitell, S. J., Bing, M. N., Davison, H. K., Ammeter, A. P., Garner, B. L. & Novicevic, M. M. (2009). Religiosity and Moral Identity: The Mediating Role of Self-Control. *Journal Of Business Ethics*, 88(4), 601-613.
- Vohs, K. D. & Finkel, E. J. (2006). Self and relationships: Connecting intrapersonal and interpersonal processes. Guilford Press.
- Vohs, K. D. & Schmeichel, B. J. (2007). Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. *The Self*, 139-162.
- Walker, R. & Shepherd, C. (2008). Strengthening Aboriginal family functioning: What works and why? Australian Institute of Family Studies.